

نقد نظریه استحقاق حقوق زنان تبیین رویکرد رادیکالی و لیبرالی فمینیسم

حجت الاسلام و المسلمین آقای مسعود راعی دهقی

راضیه سادات صالحی و سمیه امیرحسینی

مؤسسه آموزش عالی مجتهد بانو امین(ره)

چکیده:

بی تردید، تحول فمینیسم، تحول‌گرایی اجتماعی، سیاسی و حقوق محوری پس از صنعتی شدن و شکل‌گیری طبقه سرمایه داری است. آنان بر این باورند که زنان در مقایسه با مردان مورد ستمی نامشروع و ناموجه قرار گرفته‌اند و بر اصلاح وضعیت زنان، ارائه روش‌های متنوع اجتماعی و رویه‌های نظری تأکید می‌ورزند. از این رو مطالعه و تحلیل اندیشه فمینیستی منجر به شناخت جایگاه زنان و مبانی اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی غرب شده است. نظریه لیبرال فمینیستی با ارائه دو طرح تساوی و تغییر با هدف رسیدن زن به موقعیت خاص اجتماعی در سایه مقولۀ حقوق و قانون داعیه حمایت زنان را دارد. تبیین رویکرد لیبرال و رایکالی فمینیست و انتقاد از این نظریه‌ها برای استحقاق حقوق زنان ضروری است. این مقاله با روش تحقیق بنیادی و کاربردی به ارائه نظریه‌های اندیشمندان اسلامی درباره جایگاه زنان می‌پردازد که می‌تواند با روشن‌بینی و رعایت معیارهای ضابطه‌مند در فهم متون دینی راهکارهای عملی برای استحقاق و تضمین حقوق زنان و بهبودی وضعیت آنان ارائه دهد.

واژگان کلیدی: فمینیسم، لیبرال، رادیکال، اصلاحات، وضعیت.

مقدمه :

فمینیسم واژه‌نوبنیادی است که عمرش به دو قرن می‌رسد. از قرن چهاردهم میلادی افراد مشهوری همچون «مری آستل» در موج آغازین فمینیسم دیده می‌شد. وسعت بیداری زنان در قرن نوزدهم گسترش یافت. نگاه به وقایع فمینیست در حوزه رخدادهای اجتماعی پایه تغییرات حقوقی برای زنان شد. با وجود تمام این تحولات دفاع از حقوق و منزلت زنان را نباید با جنبش فمینیسم مساوی نگاشت. نقد و آسیب‌شناسی یک اندیشه به معنی نادیده گرفتن نتیجه‌های مثبت آن اندیشه نیست. امروز فمینیسم با نگاه افراط‌آمیز به صفات زنانه و تفاوت‌های فیزیولوژیک زنان، بر برتری انگاری زنان پافشاری می‌کند و به صدور یک حکم برای موضوع‌های مختلف می‌پردازد. پست انگاشتن ذات نقش‌های زنانه و نگرش مردواره به هستی و روابط انسانی از جمله پیش‌فرض‌های نادرست در تحلیل فمینیستی است. سیاسی تلقی کردن جنبه‌های زندگی از جمله زناشویی و خانوادگی از پیش گمان‌های نادرست این اندیشه افراطی است. ایجاد نظریه‌های ناهنجار همچون ازدواج آزاد، جداانگاری مناسبت جنسی از روابط خانگی از آفت‌هایی است که پیامدهای جبران ناپذیری را بر جامعه بشری گذاشته است.

مفهوم شناسی فمینیسم

واژه فمینیسم از ریشه «feminine» به معنای زنانه، مادینه که در اصل از زبان فرانسه و ریشه لاتینی «femina» گرفته شده است. این واژه اولین بار در سال 1873 میلادی به زبان فرانسه وارد شد. (عمید، 1371، ج2: 1551) واژه یاد شده در فارسی به معنای طرفداری از زنان و هواداری حقوق و آزادی آنان همچون زن‌گرایی و زن‌وری است. فمینیسم در اصطلاح به مجموعه‌ای از فعالیت‌های اجتماعی با هدف رسیدن به حقوق زنان و رفع تبعیض از آنان گفته می‌شود. (منصورنژاد، 1381: 248) فمینیسم در بستر اجتماع به جنبشی تبدیل شد که در پی وضع قراردادهای اجتماعی خاص با رویکردهایی نظیر مبارزه با مردسالاری، برتری جویی جنسیتی و جنجال‌های تبلیغاتی همراه بود. استراتژی فمینیست بر مبنای برابری زن و مرد، جلوگیری از ستم علیه زنان و تولید قواعد فراملیتی به منظور ایجاد اتحاد بین زنان قرار دادند که با هنجارشکنی‌های خاصی مانند خلعت سرپرستی مرد بر خانواده، ازدواج همجنس‌گرایان و اشتغال زنان همراه بود. (موسوی، 1374، 114-120) فمینیست‌ها مفهوم جنسیت را منشأ تبعیض علیه زنان می‌دانند و در صدد تغییر هویت زن برآمدند تا با رشد عامل آگاهی و ایجاد اعتماد به نفس در هویت زنان به پارادایمی اجتماعی برسند و بستر مناسبی برای آزادی و برابری زنان با مردان

فراهم کنند. (فرهمند و بختیاری، 1385، 86) مسئله برابری، در واقع بیانگر ایده و آمال فمینیستی در نقد تسلط مردان و خواست یک تعادل پایاپای بین مردان و زنان است. (دوانی، 1382: 59) این جنبش توسط مری ولستون کرافت در سال 1792م با انتشار کتاب «دفاع از حقوق زنان» مطرح گردید. ایشان نابرابری زنان و مردان را ناشی از تأثیر محیط و محرومیت زنان از آموزش دانست. (ابوت پاملا و کالر، 1376، 204) دهه 1960 میلادی اوج جنبش‌های تند اجتماعی و شکل‌گیری نظریه‌های جدید فمینیستی متأثر از گرایش‌های چپ و حرکت‌های انقلابی زنان بود. روحیه لیبرال این دهه و موفقیت‌های جنبش حقوق مدنی در پیشبرد فمینیسم نقش داشت. امتیاز موج دوم فمینیسم، تأکید بر نقد فرهنگی و نظریه‌های فرهنگی است. پس از این جریان، مطالعات زنان به برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها راه یافت و به عنوان شاخه آکادمیک جنبش آزادی‌بخش زنان مطرح گردید. (مشیرزاده، 1382: 309 و 184) جان لچت از طرفداران این جنبش، ساختارهای ایدئولوژیک ریشه‌داری همچون مردسالاری و قرارداد اجتماعی را به عنوان علت فروودستی زنان نسبت به مردان نقد نمود. (لچت، 1378: 59-240) مبارزه برای جدایی روابط جنسی از تولید مثل، تضعیف نظام خانواده و کسب قدرت در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی از مهمترین دستاوردهای این دوره به شمار می‌روند. (بشیریه، 1387: 52)

جایگاه زن از دیدگاه فمینیسم

جرج ریتزر، جامعه‌شناس معاصر، وضعیت کنونی زنان و چرایی آن تفاوت دیدگاه‌های فمینیستی را ایجاد کرده است که باعث الگوبندی هیئت کلی نظریه فمینیستی معاصر و ادبیات رو به گسترش آنان می‌شود. (ریتزر، 1374: 468) این گرایش‌های مختلف در مواجهه با یک پدیده، تنها به رفتار و جایگاه متفاوت زن و مرد توجه می‌کند. داوری در مورد این تفاوت‌ها و تعیین مصداق ستمگری نیازمند خط‌کشی با معیار مطلوب است. با وجود اذعان تمامی فمینیست‌ها به تفاوت‌های طبیعی زن و مرد، در تعیین نقطه آرمانی اختلاف دارند و همین امر موجب تفاوت دیدگاه‌شان در توصیف و تحلیل وضعیت زنان شده است. تحقیقات علمی در دهه هفتاد در مسیر تأیید نظریه تفاوت‌هاست. (زیبایی نژاد، 1381، 99-100) برخی لیبرال فمینیست‌ها زنان را در موقعیت نابرابری و فروتر از مرد می‌دانند. در مقابل رادیکال فمینیست‌ها به نظریه ستمگری اعتقاد دارند. آنان تبیین نابرابری را صحیح ولی ناکافی می‌دانند. زنان طبق این نظریه، تحت تابعیت، تحمل و سوء استفاده و بدرفتاری مردان تلقی می‌شوند و وضعیت متفاوت زنان به تصمیم ارادی و آگاهانه مردان در سوء استفاده از زنان بر می‌گردد؛ بنابراین می‌توان دریافت که نقطه مشترک

تمامی فمینیست‌ها این است که وضعیت متفاوت زن و مرد ناشی از وضعیت طبیعی دو جنس نیست. سنجش‌های دهه 1970 دانشمندان فمینیست، بیانگر تأثیر شگرف فرهنگ و آموزش بر تفاوت‌های رفتاری بدون نفی تفاوت‌های طبیعی بود. در مقابل تحقیقات دانشمندان غیر فمینیستی با تبیین زیست‌شناسانه در تفاوت‌های جنسی به تأیید تأثیر تفاوت‌های جسمی در تفاوت‌های رفتاری و جایگاه نابرابری زن و مرد انجامید. برخی نظریه‌پردازان فمینیست با تکیه بر بررسی کالبد شناسی جنسیت زنانه، الگوبندی اجتماعی جنسیت را با توجه به بنیادهای زیست‌شناختی رفتار خاص جنسی مورد تجدید نظر قرار دادند. به عقیده آنان الگوهای رشد متفاوت هورمونی زن و مرد به تفاوت‌هایی در ارتباطات نیمکره راست و چپ مغز منجر شده است. به طوری که زمینه‌ساز تقسیم کار جنسی و مهیا کننده زنان برای نقش مادری می‌شود. آنان خواستار به رسمیت شناخته شدن شیوه‌های متمایز زندگی زنان به منزل‌گونه‌های کارآمد هستند و معتقدند که دانش همگانی و الگوبندی زندگی اجتماعی باید با شیوه‌های هستی زنانه تنظیم شود و مورد توجه قرار بگیرد. (بورک، 1378، 450) طرفدان نظریه نابرابری، رفتارها و جایگاه‌های متفاوت را دلیلی بر مدعای خود گرفته‌اند و به همین ناخواسته مرد محوربودن این دیدگاه، انتقاد می‌کنند. معتقدند این وضعیت متفاوت زنان با مردان، بیانگر برتری نقش مردان در جامعه و خانواده است. در صورتی که در نگاه منتقدان، نقش مادری نظیر زایمان و شیردهی از ویژگی‌های مثبت به شمار می‌رود. (رؤیا منجم، 1381: 75)

جایگاه زن از دیدگاه اسلام

از پایگاه اندیشه اسلامی نیز می‌توان به تحلیل وضعیت زنان پرداخت؛ ولی این شیوه با اندیشه فمینیستی ناسازگار است. توصیف وضعیت زن و مرد با حکمت و تدبیر الهی نسبت به طبیعت ارائه می‌شود. آیات الهی مبنای اندیشه اسلام در خلقت را حکمت آمیز و به منظور بقای بشر و ایجاد سکون و آرامش در پیوند دو جنس متفاوت می‌داند. (أعراف/189 و روم/21) ملاحظه متون دینی نشان می‌دهد که خداوند انتظارات متفاوتی از زن و مرد دارد، که زمینه ساز اعطای استعدادهای ویژه‌ای به آنان است. شریعت با ترسیم دقیق این ارزش‌ها به تحلیل وضعیت زنان می‌پردازد. بر این اساس می‌توان به نابسامانی موقعیت زنان به دلیل انحراف از برنامه الهی پی برد و برنامه خداوند برای تکامل زن و مرد را به عنوان میزان سنجش در تحلیل دیدگاه فمینیستی قرار داد. زن در این دادرسی، انسانی است که قابلیت دست‌یابی

به کمال را دارد (نحل/97) و نسبت به عملکردش مسئول است؛ بنابراین اندیشه‌ای که زن را در مرتبه انسانی همسان مرد نمی‌داند یا نسبت به ارزشمندی وی تردید دارد، (فخر رازی، 1985، ج 13، 111) مردود است. نقطه انتقاد آن است که رویکرد فمینیستی ضرورت پرورش و آموزش زنان در عرصه عمل را انکار کرده، ارزشمندی آنان را با تحقیر شخصیت زن و نقش آفرینی او نادیده می‌گیرند. در نتیجه نادیده انگاشتن تفاوت‌های دو جنس و برابری انسانی او به جامعه انسانی و شخصیت زن آسیب می‌زند. نگرش فمینیستی مبتنی بر برابری با لحاظ نکردن این تفاوت‌ها به انکار زنانگی پرداخته است که مورد انتقاد قرار می‌گیرد. فمینیسم موج دوم بین دو واژه جنس (sex) و جنسیت (gender) تمایز قائلند؛ اما دیدگاه اسلامی در عین حال که نقش فرهنگ را در پیدایش، تقویت و تضعیف برخی ویژگی‌ها انکار نمی‌کند، دامنه تفاوت‌های طبیعی را به تفاوت‌های بیولوژی محدود نمی‌سازد. زن و مرد در عملکرد قوای ذهنی، گرایش‌ها متمایزند. (زیبایی نژاد، 1381، 53-89) نفی زنانگی و مرزهای جنسیتی از بحران‌های زن معاصر است. نگرش مبتنی بر برابری و نگرشی که در تحلیل وضعیت زنان، آموزه‌های وحیانی را معیار تحلیل و داوری نمی‌شناسد و بر اساس انگاره‌های ماتریالیستی و اومانیستی می‌اندیشد. این رویکرد نمی‌تواند کمال انسانی زنان را ارتقاء بخشد و تنها گامی به سمت خودباختگی و فروودستی زنان است. لیبرال‌ها بر مردانه شدن ساختارهای سیاسی تأکید می‌کند و معتقدند که تقسیم کار جنسی به دو حوزه خصوصی برای زنان و عمومی برای مردان عامل نابرابری علیه زنان است. (زیبایی نژاد، 1381: 107)

نابرابری در اندیشه رادیکال فمینیسم از طبیعت خشن مردان ناشی می‌شود. واژه مردسالاری در این اندیشه کلیدی است و نظام تسلط و بهره‌کشی از زنان است. (گرت، 1380: 27) اشکال موج سوم به این اندیشه این است که طرح جهان شمول از علت فروودستی زنان، منجر به تقلیل‌گرایی می‌شود. پساتجدد‌گرایان نیز با انتقاد از مفاهیمی چون تمامیت و کلیت، معتقدند که هویت جمعی زنان موجب نادیده گرفته شدن تفاوت‌های واقعی بین آنان در زمینه عقب ماندگی و آرمانی است. این دیدگاه به کاهش قدرت تحلیل فمینیستی و ایجاد بحران می‌انجامد. (مشیرزاده، 1382: 380) نظریه ستمگری جنسی، نهفته بودن این میل را در نهاد مرد اثبات می‌کند و زمینه پذیرش جنس مؤنث را برای فروودستی به دنبال می‌آورد. جامعه‌شناسان نگرش‌های فمینیستی، قابلیت زیستی زنان برای مادری و خشونت ذاتی مردان را ریشه ستمدیدی می‌دانند. (ابوت و والاس، 1376: 39) برخی فمینیست‌های رادیکال، از جمله شولامیت فایرستون به طبیعی بودن منشأ فروودستی تصریح کرده است. براون میلر نیز ستیزه جویانه تر بودن تمایلات جنسی

اساس دیدگاه دینی، نادیده گرفتن شرایط خاص هر جامعه و هر طبقه و گزاره های ثابت در ارائه راهبردهای اصلاحی خطاست. (سبحانی، 145، 1382) براین اساس مرز اندیشه های دینی از فمینیسم موج دوم جدا می شود. در برنامه عمل زنان در آموزش و پرورش فردی و اجتماعی بر اساس ملاحظه شرایط و ویژگی های خاص طبیعی و اجتماعی زنان انجام می گیرد. بنابراین می توان دریافت که نظام آموزشی دینی یک نظامی جنسی بر اساس توجه به تفاوت هاست. در اندیشه دینی برنامه اصلاحی که به کم شدن نقش خانواده در تحولات اجتماعی و فرهنگی و ناکارآمدی نقش زن در خانه بینجامد، محکوم به شکست است. زنان در طول تاریخ همواره در نقش همسری و مادری منشأ مهمترین آثار مثبت یا منفی بوده اند؛ اما جنبش فمینیستی با شعار حضور زنان در صحنه نقش هایی از آنان گرفت که توجه به آن نقش ها در کنار نقش های اجتماعی آنان می توانست در فرایند تحولات فرهنگی و اجتماعی بی بدیل سازد. (زیبایی نژاد، 132، 1382) در تحلیل دستاوردهای فمینیستی باید میان فمینیسم به مثابه جنبش اجتماعی در دفاع از حقوق زنان و کسب موقعیت های برابر در برخی زمینه ها با فمینیسم به مثابه یک مکتب و گرایش فکری متمایز تفکیک کرد. بسیاری از صاحب نظران بر ضرورت برخورداری زنان از آموزش، بهداشت، حق رأی و احراز برخی منصب های سیاسی و اقتصادی اصرار می ورزند؛ ولی این مطلب به معنای اعتقاد به برابری در تمامی عرصه ها یا کارآمد دانستن گرایش ها و مکاتب فمینیستی رایج نیست. نگرش مسلط فمینیستی، دستاوردهایش را مدیون ترویج فرهنگ فردگرایی، انتقاد از خانواده سنتی و تأکید بر دفاع حقوقی از زنان، اشتغال درآمدزا و تحصیلات عالیه زنان می داند. شعار حق تسلط بر بدن و کنترل موالید در بستر فردگرایی مطرح شده اند. امروز اسناد بین المللی متأثر از اندیشه های فمینیستی بر حق انتخاب زنان در نوع روابط جنسی با همجنسی یا جنس مخالف و بر موکول بودن ازدواج تنها با رضایت طرفین تأکید می کنند. (مرتوس، 1382، 163-166) خلق مفاهیم نو و اصلاح واژگان، این امکان را فراهم می سازد که در راستای تحولات جدید به کار گرفته شوند. چنان که بازنگری در مفاهیم «تجاوز جنسی» و «خانواده» چنین کاربردی دارد. از این رو در حالیکه از روسپی گری رضایت مندانه حمایت می کنند، ارتباط جنسی مرد با همسر ناراضی خود را تجاوز به عفاف به شمار می آید. (جولی مرتوس، 1382: 231) خانواده نیز به تدریج به گونه ای دگرگون می شود که اشکال متعدد همزیستی را شامل گردد. (رابرت اچ بورک، 1378: 465) افق های تازه ای فراروی زنان در نهضت فمینیستی انتظار می رود؛ پیامدهای این رویکرد بیشتر گویای تأمین شدن منافع نظام سرمایه داری و تبدیل شدن فمینیسم به ابزار مهم در پروژه جهانی سازی است. امروزه

گفتمان فمینیستی جریان چپ نو به ادبیات مسلط در جامعه بین الملل تبدیل شده است. بنیادهای صهیونیستی از جمله فورد، راکفلر و کارنگی به توزیع افکار فمینیستی لیبرال همت کردند. (شفیعی، 1379: 29) کشورهای شاخص نظام سرمایه داری شرط ارتقای روابط سیاسی و اقتصادی را در اجرای مفاد کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان می دانند. (مجموعه مقالات دفاع از حقوق زنان ، 1380: 60) دفاع از آزادی تشکیل انواع مختلف همزیستی به عنوان جانشینی برای خانواده سنتی، قداست زدایی از نهاد خانواده و سپردن خانوادگی به مؤسساتی بر اساس منفعت، زمینه ساز پرورش فرهنگ مادی و خدمت به نظام سرمایه داری است. جهان غرب با مسئله بحث برانگیز تأنیث فقر (femization of poverty) مواجه است. گرچه در خانواده سنتی مدیریت اقتصادی را مردان در دست داشتند؛ اما برخورداری اقتصادی مقوله ای مردانه نبود. روشن شدن پیامدهای فمینیسم و سرخوردگی گروهی از زنان، سبب نقدهای تندی از سوی زنان به گرایش های فمینیستی شده است. (منجم، 1381: 12) زنان معاصر دریافته اند که ره آور فمینیسم ایجاد باوری غلط در زنان بوده است که همواره از هر تفاوتی، تبعیض را بفهمند. موقعیت مردان را مثبت و انسانی تحلیل کنند و همیشه در برابر تفاوت ها، احساس کمبود کنند. رویکرد فمینیستی نیز به خلأ شخصیتی زنان و ناکارآمدی آنان در حوزه های زنانه منجر شده است. گرچه آرمان فمینیستی نوید جامعه ای بر اساس برابری می دهد؛ ولی راهکار آن به گونه ای است که در عمل نوعی ستیز با جنس مرد و برتری طلبی زنان را تداعی می کند. نتیجه این نگرش، ازدیاد موارد خشونت های مردانه توسط زنان یا تأنیث خشونت است. (ویلکنس، 1382: 131) در آموزه های دینی، تفاوت های طبیعی رفتارها بر هدفمندی خلقت مبتنی است که نشانه حقارت یک جنس نیست؛ بلکه به تفاوت در انتظارات در مسیر سعادت بشر می انجامد. نگرانی فمینیست این است که با هدف محروم کردن زنان، بسیاری از ویژگی آنان را مربوط به تفاوت های شمرده اند که می تواند بسترساز فعالیتهای مختلف و کارآمد باشد و قوانین بازدارنده و تبعیض آمیز را طبق آن جعل کرده اند. به نظر می رسد که فقدان دسترسی به مقیاس مطمئن، با توجه به پیامدهای التزام به تفاوت های حقوقی، برخی را به انکار کلیت موضوع سوق داده اند؛ اما قانونگذار حکیم میزان تأثیرگذاری هریک از ویژگی ها را لحاظ کرده است. برنامه ریزی انسانی در چارچوب اندیشه دینی می تواند به جعل قوانینی در راستای کارآمدی زن و مرد و حمایت از فرد، خانواده و جامعه بینجامد. اشکال طرح تغییر نظام مند فمینیستی این است که قوانین مردم محور موجود را با قوانین زن محور معاوضه می کند. فمینیست حقوق را بر اساس نگاه زنانه تدوین می کند که به تخاصم دو جنس در تفکیک

حقوق می‌انجامد. برای پالایش قانون از نگرش مردانه و زنانه نیازمند مقیاسی است که بتواند مصادیق را بررسی کند. (مجموعه مقالات روتلیج، 1382، 165)

نتیجه گیری

بی‌تردید، فمینیست مدافع حقوق زن نیست. از سوی دیگر منتقدان این نظریه هم مخالف این حقوق نمی‌باشد؛ پس دفاع از حقوق و منزلت انسانی زن را نیز با مرام فمینیسم نباید مساوی انگاشت. دگرگونی ساختار خانواده، سوق دادن زنان به شغل‌های عمومی و تضعیف نقش مادر در خانواده پیامدهای منفی رویکرد فمینیست بوده است. پیدایش این تفکر، نشانه‌آشفتگی در اندیش امروز غرب و محصول رنسانس است. این رویکرد در ستیز با واقعیت‌های طبیعی، داده‌های علمی و آموزه‌های دینی قرار دارد. لیبرالیسم و اومانیسم به عنوان آثار دیدگاه سکولاریسم فقط در قلمرو هوس‌مداری و آزادی مطلق نظریه پردازی می‌کند. در صورتی که اندیشمندان اسلامی با روشن‌بینی و رعایت معیارهای ضابطه‌مند استنباط در فهم متون دینی به ارائه راهکارهای علمی برای جلوگیری از ستمگری، تضمین و استحقاق حقوق مشروع زنان می‌پردازند.

منابع

1. اسحاقی، حسین، "تأملی برپیکره فمینیسم اسلامی"، فصلنامه رواق اندیشه، ش 44، 1384 ه. ش.
2. افتخاری، اصغر، "قدرت، جنسیت، شأن اجتماعی و سیاسی زنان"، فصلنامه کتاب نقد، ش 17، 1379 ه. ش.
3. انگلس، فردریش، منشأ خانواده، مالکیت خصوصی و دولت، ترجمه: خسرو پارسا، تهران، جامی، 1380 ه. ش.
4. بیات، عبدالرسول، فرهنگ واژه‌ها، قم: اندیشه و فرهنگ دینی، 1379 ه. ش.
5. بشیری، حسین، نظریه‌های فرهنگی در فمینیسم، قم، تبیان، 1387 ه. ش.
6. پاملا، ابوت و والاس کلر، درآمدی بر جامعه‌شناسی نگرش‌های فمینیستی، ترجمه: مریم خراسانی و حمید احدی، تهران: دنیای مادر، 1376.
7. -----، جامعه‌شناسی زنان، ترجمه: منیژه نجم عراقی، تهران، نی، 1380.
8. توفیقیان، خدیجه و مهدی افشون، "فمینیسم در ترازوی نقد"، فصلنامه پهور، ش 3، 1388 ه. ش.

9. حسینی، ابراهیم، "فمینیسم علیه زنان"، فصلنامه کتاب نقد، ش 17، 1379 ه. ش.
10. حکمت نیا، محمود، "روش تحلیل و ارزیابی حقوق زنان"، فصلنامه کتاب نقد، ش 17، 1379 ه. ش.
11. دوانی، فرزانه، "زنان در چالش با سنت گریزی"، تهران: نخستین، 1383 ه. ش.
12. دورانت، ویلیام، تاریخ تمدن عصر ناپلئون، ترجمه: اسماعیل دولتشاه، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، 1369 ه. ش.
13. دوبوار، سیمون، جنس دوم، ترجمه: قاسم صنعوی، چ 2، تهران، توس، 1380 ه. ش.
14. رشاد، علی اکبر، "آسیب شناسی فمینیسم"، فصلنامه نقد، ش 17، 1375 ه. ش.
15. ریتزر، جرج، نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه: محسن ثلاثی، چ دوم، تهران، علمی، 1374 ه. ش.
16. رازی، فخرالدین محمد، تفسیر الفخرالرازی، چ 3، بیروت، دارالفکر، 1985 م.
17. رابرت. اچ. بروک، درسراشویی به سوی گومورا، لیبرالیسم مدرن و افول امریکا، ترجمه: الهه هاشمی حائری، چ اول، تهران، حکمت، 1378.
18. زیبایی نژاد، محمدرضا و محمد تقی سبحانی، درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، قم، دارالنور، 1381 ه. ش.
19. سجادی، مهدی، "فمینیسم پست مدرن"، فصلنامه مطالعه راهبردی زنان، ش 29، 1384 ه. ش.
20. سبحانی، محمدتقی، الگوی جامع شخصیت زن مسلمان، چ اول، قم، دفتر مطالعات زنان، 1382.
21. شاه حسینی، فرشته، "نکاتی درباره تحول تاریخی نقش زنان"، جامعه سالم، ش 12، 1382.
22. شفیعی، ابراهیم، جریان شناسی دفاع از حقوق زنان، قم، مؤسسه فرهنگی طه، 1379.
23. عمید، حسن، فرهنگ عمید، چ 2، تهران: امیرکبیر، 1371 ه. ش.
24. غفاری نوین، مهدی، "نقد فمینیسم و پیامدهای آن"، فصلنامه ظهور، ش 3، 1388 ه. ش.
25. فرهمند، مریم و آمنه بختیاری، "واگردهای فمینیستی در ازدواج"، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ش 31، 1385 ه. ش.

26. فریدمن، جین، **فمینیسم**، ترجمه: فیروزه مهاجر، تهران، آشیان، 1381 ه. ش.
27. کلینی، محمد بن یعقوب، **الأصول من کافی**، قم، دارالکتب الاسلامیه، 1375 ق.
28. گرت، استفان، **جامعه شناسی جنسیت**، ترجمه: کتایون بقایی، تهران، نشر دیگر، 1380 ه. ش.
29. گرنت، تونی، **زن بودن**، ترجمه: فروزان گنجی زاده، تهران، ورجاوند، 1382 ه. ش.
30. لچت، جان، **پنجاه متفکر بزرگ معاصر**، ترجمه: محسن حکیمی، تهران، خجسته، 1378 ه. ش.
31. مجلسی، محمد باقر، **بحارالأنوار**، قم، دارالکتب الاسلامیه، 1386 ه. ق.
32. شیرزاده، حمیرا، **از جنبش تا نظریه اجتماعی تاریخ دو قرن فمینیسم**، تهران، شیرازه، 1382 ه. ش.
33. منصور نژاد، محمد، **زن، اسلام و فمینیسم**، تهران: برگ زیتون، 1381 ه. ش.
34. منجم، رؤیا، **زن- مادر**، تهران، مس، 1381 ه. ش.
35. مارلین، فرنچ، **جنگ علیه زنان**، ترجمه: توراندخت تمدن، تهران: علمی، 1373 ه. ش.
36. مرتوس، جولی، **آموزش حقوق انسانی زنان و دختران**، ترجمه: فریبرز مجیدی، چ اول، تهران، دنیای مادر، 1382.
37. مطیع، ناهید، **دفاعی مردانه از فمینیسم**، تهران، انتشارات الهدی، 1378.
38. محمدی، مجید، **" هویت مدنی ، هویت جنسی"**، تهران، ریحانه، ش1، 1393.
39. نجم آبادی، افسانه، **نیمه دیگر**، چ امریکا، ش2، پاییز 1374.
40. ویلکنسن، هلن، **برخی واقع نگری در جنبش زنان**، ترجمه: نوشین احمدی، تهران، ایران فردا، ش 41، 1382.
41. یوسف زاده، حسن، **" پیامدهای فمینیسم در خانواده غربی"**، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ش 32، 1385 ه. ش.
42. یزدانی، عباس و بهروز جندقی، **ترجمه، تحلیل و نقد فمینیسم**، چ دوم، قم، دفتر تحقیقات و مطالعات زنان، 1388 ه. ش.